

# طرح حکومت اسلامی برای اخراج صدها هزار افغانی از ایران!

بهرام رحمانی

این روزها حکومت اسلامی، ارگان‌ها و مسئولین و رسانه‌هایش، تبلیغات فاشیستی گسترده‌ای را علیه شهروندان افغانی در ایران راه انداخته‌اند. این نوع تبلیغات قرار است بار دیگر، زمینه برگرداندن صدها هزار نفر از شهروندان افغانی از ایران به جنگ و ترور، قحطی و گرسنگی افغانستان و قربانی کردن آن‌ها را در افکار عمومی فراهم سازد.

مدتی پیش سردبیر خبرگزاری حکومتی مهر، بر علیه شهروندان افغانی در ایران، چنین نوشت: «در حالی مردم کرمان هم چنان در انتظار تصمیم مسئولان برای خروج افغانه از این استان هستند که هم اکنون افغانه با خرید زمین به مالکان اصلی برخی مناطق کرمان تبدیل شده‌اند. علی‌رغم تاکید و پیگیری‌های مکرر مردم و برخی از مسئولین کرمان مبنی بر ساماندهی و یا خروج افغانه از این استان، این مساله به حال خود رها شده تا جایی که روز به روز بر میزان مشکلاتی که این مهاجرین ایجاد می‌کنند، افزوده می‌شود.»

سردبیر این خبرگزاری حکومتی، می‌افزاید: «بعد از ممنوعیت ورود افغانه به استان سیستان و بلوچستان، کرمان به عنوان محلی امن، مقصد اصلی این اتباع بیگانه شد.»

همین خبرگزاری حکومتی، می‌نویسد معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمان در گفتگو با خبرنگار مهر در رابطه با مسایل بهداشتی این مهاجرین اظهار می‌کند: «... از آن جا که این صد هزار نفر از لحاظ قانونی دچار موانعی هستند اعتباری برای ارائه خدمات بهداشتی به آن‌ها تخصیص نمی‌یابد اما برای این که بیماری‌های این گروه، شاخص‌های بهداشتی ما را تحت تاثیر قرار ندهد، مجبور هستیم به صورت اکتیو این افراد را در محل‌هایی که اقامت کرده‌اند هم چون حوالی کوره‌ها و باغات پسته شناسایی کرده و به آن‌ها خدمات بهداشتی درمانی ارائه دهیم.»

او، با اشاره به «شیوع اپیدمی سرخک در افغانه و کشف و مهار آن در

کرمان در سال گذشته» نیز می گوید: «اگر این بیماری به شهر سرایت می کرد معضل جدی در زمینه بهداشت در منطقه ایجاد می شد که خوشبختانه با کشف و مهار به موقع آن، چنین اتفاقی رخ نداد.» یا حجت الاسلام علی توکلی، می گوید: «بسیاری از مشکلات استان کرمان ناشی از حضور افغانه در استان کرمان است.»

در خصوص این که «سکونت افغانه در این مناطق چه تبعات اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی را موجب شده است»، خبرنگار مهر با زهرا حسینی، رییس شورای شهر اختیارآباد و حسن زنگی آبادی، نایب رییس شورای شهر زنگی آباد که «دو مرکز عمده تجمع افغانه در شهر کرمان» هستند نیز گفتگو کرده است.

نایب رییس شورای شهر زنگی آبادی، از «سکونت جمعیت دو هزار نفری مهاجرین افغانی در این شهر» خبر داد و ضمن اشاره به مشکلات بهداشتی ایجاد شده از سوی این افراد اظهار می کند: «به دلیل تراکم بالای جمعیت خانواده های افغانی و کمبود امکاناتی که دارند، مسایل بهداشتی زیادی در این منطقه ایجاد شده است.»

حسن زنگی آبادی، می افزاید: «این افراد بیش تر در خانه های قدیمی و متروکه شهر ساکن شده و در محل زندگی خود از حداقل امکانات محروم هستند.»

او، از سوی دیگر می گوید: «هم اکنون مهاجرین افغانی به آن چنان سرمایه ای دست یافته اند که چندی پیش مسئول یکی از بانک های زنگی آباد اعلام کرد که اگر بروند بانک های این شهر ورشکست می شوند!»

زهرا حسینی، رییس شورای شهر اختیارآباد، در گفتگو با مهر از سکونت حدود ۴۰۰ نفر افغانی در این شهر خبر داد و گفت: «بسیاری از فرصت های شغلی را این مهاجرین از جوانان ما گرفته اند... این افراد بیش تر در مشاغل سخت فعالیت می کنند که همین کار جوانان ما را از انجام چنین کارهای دشواری بی مسئولیت کرده است.»

رییس شورای شهر اختیارآباد، «از صاحب خانه شدن افغانی ها در این شهر» خبر داده و اظهار می کند: «این افراد حق خرید و فروش و سند به نام کردن ندارند اما از طریق ایرانی ها و به طور غیرمستقیم این کار را انجام داده اند.»

حسینی، هم چنین با بیان این که «بسیاری از خانه های محل سکونت افغانی ها محل وقوع جرم است»، عنوان می کند: «افغان ها در بحث

مواد مخدر هم توزیع کننده هستند هم مصرف کننده که این نیز مسایل ناگواری را گریبانگیر مردم منطقه کرده است.»

این ها نمونه هایی از مواضع متناقض مسئولین حکومت اسلامی است که با این مواضع و سیاست های فاشیستی شان، تلاش می کنند مردم ایران را علیه مهاجرین و کارگران افغانی تحریک کنند و بشورانند. بنابراین، در چنین وضعیتی ضرورت دارد که نهادهای مردمی داخل کشور و رسانه های اپوزیسیون حکومت اسلامی، این سیاست های فاشیستی حکومت اسلامی را در نزد افکار عمومی افشا کنند و اجازه ندهند این جنایت کاران و کارد به دستان حکومت اسلامی، دست به عوام فریبی بزنند.

چندین دهه است که جنگ و کشتار، ناامنی و بی ثباتی، فقر و بی کاری در افغانستان، چنان شرایط ناگوار و مرگ آفرین را برای مردم به وجود آورده است که میلیون ها نفر از آن ها تاکنون، مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و در کشورهای همسایه و دیگر کشورهای جهان آواره شده اند. بسیاری از آنان در کشورهای نظیر ایران و پاکستان و غیره به معنای واقعی نیروی کار ارزان و خاموش کارفرمایان و سرمایه داران هستند و شدیدتر از کارگران بومی استثمار می شوند.

حکومت اسلامی، اخیر طرحی را تحت عنوان «آغاز طرح سرشماری اتباع غیرمجاز افغان»، آغاز کرده است. در واقع هدف اصلی حکومت اسلامی از اجرای این طرح، شناسایی و دستگیری و اخراج پناهندگان افغانی از ایران است. در حالی که این بخش از پناه جویان جهان، از حق مسلم پناهندگی خود بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و دیگر کنوانسیون های جهان شمول در رابطه با حقوق پناهندگان محرومند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران ۱/۴/۱۳۹۰، محمد تهوری، مدیرکل اتباع خارجی وزارت کشور حکومت اسلامی که در برنامه خبری با موضوع «آغاز به کار مرحله چهارم طرح سرشماری اتباع افغان غیرقانونی»، شرکت کرده بود گفت: «طرح سامان دهی که مصوب شورای امنیت ملی است، توسط گروهی متشکل از وزارتخانه های مختلف، سازمان های نظامی و دادستانی تهیه شده و وزارت کشور به عنوان ستاد پیگیری اجرای طرح، برنامه سرشماری و سامان دهی اتباع غیرقانونی افغان را پیگیری می کند.»

مشاور وزیر کشور حکومت اسلامی، تاکید کرد: «ستادی را در اداره اتباع تشکیل داده ایم که وظیفه ثبت نام و پاسخ گویی به اتباع غیرمجاز را برعهده دارد و تاکنون توانسته ایم بخش قابل توجهی از مشکلات این افراد را حل کنیم.»

تهوری، با بیان این که تا امروز بیش از یک میلیون نفر وارد سایت مشخص شده برای ثبت نام شده اند، افزود: «هم چنین براساس برنامه ریزی های انجام شده ۲۸ شعبه در ۱۷ استان تعیین شده تا افراد با مراجعه به آن ها برای ثبت نام در این طرح اقدام کنند.»

تهوری، در پاسخ به سئوالی مبنی بر مجازات ورود غیرمجاز افراد به کشور و برآورد هزینه اجرای طرح گفت: «افرادی که به صورت غیرمجاز وارد کشور شوند، بعد از دستگیری در اردوگاه ها نگهداری خواهند شد و اما در زمینه هزینه های این طرح هنوز این مساله را بررسی نکرده ایم.» بنابراین، هدف حکومت اسلامی از طرح «سامان دهی» اتباع غیرمجاز افغانی در ایران، شناسایی و دستگیری و زندانی کردن آن ها و نهایتا اخراج آنان به جنگ و جهنم افغانستان است.

خبرگزاری حکومتی فارس، در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۹۰ نوشت، احمد حسینی مشاور وزیر و مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور پیش از ظهر امروز در جمع خبرنگاران رسانه های داخلی توضیحی در خصوص آخرین وضعیت پناهندگان افغانی در ایران و برنامه بازگشت آن ها و هم چنین توافقات انجام شده با وزیر مهاجرت عراق در سفر اخیر ابراهیم جعفری نخست وزیر عراق به تهران ارائه داد.

او، با اشاره به «برنامه بازگشت حمایت شده با مشارکت دولت افغانستان و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد» که در سال جاری در حال اجرا است، ثبت نام از پناهندگان افغان در ایران برای بازگشت به کشورشان را تا پایان شهریور ماه اعلام کرد و گفت: «در سال ۱۳۸۵ با پناهندگانی که امسال از برنامه بازگشت استفاده نکنند هم چون افراد غیرمجاز برخورد می شود.»

حسینی، افزود: «بازگشت در تیر ماه به مراحل خوبی که ما خواستار آن بودیم رسید و ۳۰ هزار نفر از این پناهندگان به کشورشان بازگشته اند و ۷۰ هزار نفر نیز برای بازگشت ثبت نام کرده اند که در طی این مدت ۸۰۰ دستگاه اتوبوس و ۱۳۸۰ دستگاه کامیون برای نقل و انتقالات سال جاری به کار گرفته شد.»

مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور حکومت اسلامی، هم چنین به نکاتی در خصوص موانع بازگشت افغانی ها در این دور از بازگشت ها اشاره کرد و گفت: «در حال حاضر میانگین اقامت افرادی که در ایران مانده اند به بالای ۱۵ سال می رسد و ما به لایه هایی از آوارگان افغان رسیده ایم که پایدارتر هستند و ریشه های

اجتماعی آن‌ها عمیق‌تر و است و خیلی از آن‌ها با زنان ایرانی ازدواج کرده و یا در ایران متولد شده‌اند و بازگشت آن‌ها به سهولت بازگشت یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر سال‌های گذشته نیست.»

او، در ادامه با بیان این‌که اگر آوارگان افغانی از فرصت باقی مانده سال جاری استفاده نکنند «دو موقعیت مهم» را از دست می‌دهند، گفت: «یکی محرومیت از بازگشت حمایت شده است زیرا برنامه بازگشت تنها برای سال ۱۳۸۴ تمدید شده و اگر کسی بخواهد سال آینده به افغانستان بازگردد باید تمامی مخارج حمل و نقل اسباب و اثاثیه و خانواده خود را متحمل شود که به طور میانگین یک میلیون تومان برای هر خانواده هزینه در بردارد.»

حسینی، اضافه کرد: «در حال حاضر هزینه‌های بازگشت افغانه به کشورشان به صورت رایگان انجام می‌شود ولی در صورت عدم بازگشت آن‌ها در سال جاری نه تنها مجبور هستند که سال آینده به کشورشان بازگردند، بلکه حمایت سازمان ملل را هم نخواهند داشت.»

او، افزود: «اعطای ویزای کار در صورتی است که فرد امسال به طور داوطلبانه به افغانستان برود و به سفارت ایران در کابل یا کنسولگری‌های ایران مراجعه و مدارکی را مبنی بر سکونت خود به عنوان پناهنده در ایران ارائه دهد.»

مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور حکومت اسلامی، اضافه کرد: «در سال آینده هیچ مدرک اقامتی به افغانه در ایران داده نمی‌شود و بحث تابعیت، اقامت و ادغام آن‌ها در جامعه ایران کاملاً منتفی است و ممکن است محدودیت‌های جدیدی توسط دولت برای اقامت آن‌ها وضع شود.»

در این میان، خبرهای تکان‌دهنده‌ای نیز در رابطه با رفتار غیرانسانی مأمورین حکومت اسلامی با پناهندگان افغانی در رسانه‌ها منعکس می‌شود. برای مثال، یکی از خبرگزاری‌های افغانی نوشت: چندی پیش در مورد برخوردهای نادرست و غیرانسانی سربازان کشور همسایه ایران در برابر مهاجرین افغان در اکثر رسانه‌های داخلی و بین‌المللی انعکاس یافت...

– ده‌ها دختر نه‌ده ساله را از راه مدرسه بازداشت کردند روانه اردوگاه سفیدسنگ کردند. دختر دانشگاهی را که از دانشگاه در راه بازگشت به خانه اش بود، بازداشتش کردند. پسر بچه‌های زیر ۱۲ سال را از کوچه و راه مدرسه شان بازداشت کردند. پدری را در راه

بازگشت به خانه اش بازداشت کردند. دخترهای جوان را از مرکز شهر بازداشت کردند و از مرز خارج کردند به جرم افغان بودن شان و به جرم نداشتن مدرک اقامتی. عکس و خبرهایی پخش شد که سربازان ایرانی در حالی که کوب زنان آواره افغان بودند.

آن قدر خبرهای دردآور و وحشتناک از زندان ها و اردوگاه های ایرانی را می شنیدیم که به انسان بودن و مسلمان بودن آن عده از برادران ایرانی که مرتکب چنین اعمال ضدانسانی بودند، شک بردیم.

متأسفانه دولت افغانستان هم بنا به بعضی ملحوظات و سیاست های همسایگی، از اعتراض و اخطار به دولت ایران چشم پوشی کرد و حتی نخواست در این مورد سر و صداها بلند شود فقط بعضی از سازمان های حقوق بشر نگرانی شان را در این مورد ابراز کردند و بس.

شایعه هم بود که بعضی حلقات و سازمان های داخلی از دولت اعتراض کردند و از دولت خواستند که چرا در چنین موردی که به هزاران افغان هتک حرمت و ستم می شود خاموش، نشسته است. به دنبال اعتراض آن ها، سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل دست به انتشار اعلامیه زد که بعضی نکات دقیق و جذاب آن را در این جا می آورم:

«موضوع خروج به همه افغان ها تعلق نمی گیرد بلکه آن هایی که مدت اسنادشان ختم شده، اخراج می شوند.

این ها هم فقط باید خانواده های شان را بفرستند اگر خودشان توان کار را دارند، در ایران بمانند. فعلا در شهر تهران ۹۰ فیصد کسانی که زباله ها را پاک می کنند، حفاری چاه ها و لین های برق و گاز را انجام می دهند، مستراح ها را پاک می کنند، مهاجرین افغان هستند. این ها باید کار کنند و به خانواده های شان کمک بفرستند. و مطابق قانون، ۲۵ فیصد عوایدشان را به مراجع قانونی دولت تسلیم کنند. برای ادامه تعلیم یک نفر شاگرد، باید حدود صد هزار تومان به دولت ایران تحویل بدهند.»

این اطلاعیه وقتی صادر شد که بیش از چند روز از توافقات دولتین، در حد ریاست جمهوری ها و وزاری داخله و کمیشنی عالی مهاجرین درباره حفظ حقوق انسانی مهاجرین، نمی گذشت. جالب این جاست که سفارت دولت جمهوری اسلامی ایران در کابل، به دنبال پخش اخبار تکان دهنده آزار و اذیت مهاجرین افغان در ایران، دست به انتشار چنین اعلامیه زد، آن هم در کابل نه در ایران.

این هم از حق و حقوق انسانی مهاجرین افغان در ایران کشور همسایه،  
دوست، هم زبان و هم دین و هم کیش، منبع:  
<http://www.kabuli.org/archives/000058.php>

پناه جویان افغانی در گذرگاه های مرزی و یا داخل ایران نیز با ده  
ها خطر مرگ نیز روبرو می شوند. برای مثال، پلیس مرزی افغانستان،  
دوشنبه ۱ فوریه ۲۰۱۰ - ۱۲ بهمن ۱۳۸۸، از کشته شدن پنج شهروند  
افغان توسط نیروهای نظامی ایران در مرز میان دو کشور خبر داده  
است.

غلام حیدر، از مقامات پلیس مرزی در ولایت نیمروز، در غرب افغانستان  
به یکی از خبرگزاری ها گفت که اجساد چهار نفر از کشته شدگان را  
از مرزبانان ایران تحویل گرفته اند اما به گفته او، جسد یکی دیگر  
از این افراد هنوز در اختیار پلیس مرزی ایران است.

حیدر گفت که این افراد قصد داشته اند وارد خاک ایران شوند، اما  
نظامیان ایرانی برای ممانعت از ورود آن ها، به روی شان آتش گشوده  
اند. این حادثه در استان سیستان و بلوچستان ایران صورت گرفته  
است. در این تیراندازی به گفته مقامات افغان، دو نفر دیگر نیز  
زخمی شده اند.

حیدر گفت که این افراد پناهجویان افغان بودند که می خواستند برای  
یافتن کار به ایران بروند. او، احتمال ارتباط این افراد را با  
قاچاقچیان مواد مخدر و یا گروه های مسلح رد کرد.

هم چنین یک مشکل بزرگ افغانی های مقیم ایران، ازدواج مردان  
افغانی با زنان ایرانی است که یک امر طبیعی انسانی است. بنابر  
گزارش های رسمی، سی هزار زن ایرانی با مردان افغان ازدواج کرده  
اند: «من در افغانستان با همسرم آشنا شدم و ازدواج کردیم، می  
خواهم ازدواج مون رو ثبت کنیم...»

- شوهرت کجاست؟

- افغانستان

- شانس آوردی که از پای تلفن داری صحبت می کنی و شوهرت هم نیست،  
و الا اگر این جا بودید، شوهرت را به خاطر ازدواج غیرقانونی  
دستگیر می کردیم...»

این بخشی از گفتگوی همسر ایرانی سعید، روزنامه نگار افغان با

اداره اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور در ایران است.

سعید، روزنامه نگار افغان که پنج سال پیش با زنی ایرانی ازدواج کرده با نقل این گفتگو، شرایط سختی که پس از ازدواج برای او و همسرش پیش آمده توصیف می کند.

او به بی بی سی فارسی، دوشنبه ۳۰ می ۲۰۱۱ - ۹ خرداد ۱۳۹۰، می گوید: «بعد از مدتی که توانستم به ایران سفر کنم و برای ثبت مجدد ازدواج مان اقدام کردیم، برخوردشان بسیار زننده بود و فقط گفتند از دو هفته تا شش ماه بررسی زمان می برد و به همسر هم گفتند چرا بدون گرفتن اجازه با «این مرد افغان» ازدواج کردی؟»

اما زمانی مسئولان با همسر این روزنامه نگار تماس گرفتند که سعید برای کار به افغانستان باز گشته بود و این روزنامه نگار می گوید بعد از گذشت پنج سال از ازدواج به دلیل شرایط سختی که ایجاد کردند ما هنوز ازدواج مان را ثبت ایرانی نکرده ایم.

حکومت اسلامی ایران، از سال ۱۳۸۵ ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان را نمی پذیرد به طوری که زنان ایرانی امکان ازدواج رسمی با مردان افغان را ندارند...

به گفته مدیرکل اتباع و مهاجران خارجی استانداری خراسان رضوی، براساس طرح شناسایی در سال ۱۳۸۵ بیش از ۵ هزار پرونده زناشویی برای مردان افغان که با زنان ایرانی ازدواج کرده اند تشکیل شده که تا سال گذشته برای بیش از دو هزار نفر از آن ها پروانه زناشویی (سند ازدواج) صادر شده است.

برای ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی، نخست پروانه ازدواج صادر می شود، این پروانه به زنان ایرانی اجازه ازدواج با مردان خارجی را می دهد و پس از انجام مراسم عقد و ازدواج برای دو طرف سند ازدواج صادر می شود.

در عین حال قوه قضائیه حکومت اسلامی ایران نیز اعلام کرد که ازدواج اتباع خارجی با دختران ایرانی باید با اجازه وزارت امور خارجه ایران صورت بگیرد.

براساس آمارهای رسمی، «۳۲ هزار کودک بدون هویت و شناسنامه حاصل از ازدواج دختران ایرانی با اتباع بیگانه است.» چون که حکومت اسلامی، برای این کودکان شناسنامه صادر نمی کند.



اداره اتباع خارجی استانداری تهران، در آخرین آماري که منتشر کرده است، خبر از ۳۲ هزار کودک بدون هويت و شناسنامه حاصل از ازدواج دختران ایرانی با اتباع بیگانه داده است که در وضعیت نامعلومی به سر می برند.

نسرین، مادر حامد یکی از زنان ایرانی است که با یک مرد افغان ازدواج کرده است، ازدواج او ثبت محضری نشده و تنها در پشت قرآنی نام همسر و فرزندش به همراه نام او نوشته شده است. مشکلات نسرین از همان ابتدای ازدواج شروع شد، شوهرش پس از مدتی در حال سنگ بری در یک کارخانه دستگیر شد و به دلیل نداشتن مدارک قانونی اقامت به افغانستان فرستاده شد.

اما نسرین نمی خواهد به افغانستان برود، از طرفی پسر ۱۰ ساله او نه تنها شناسنامه ندارد، بلکه اجازه تحصیل هم به او داده نمی شود. تنها پاسخ اداره اتباع بیگانه به او این بود که به افغانستان برود، چون هم او و هم پسرش افغان هستند نه ایرانی.

کودکانی که شناسنامه ندارند اجازه تحصیل نیز ندارند. در صورتی هم که ایران را به مقصد افغانستان ترک کنند. این کودکان توانایی و امکان بازگشت به ایران را توسط مادرانشان ندارند، زیرا این کودکان بدون هويت هستند و حکومت اسلامی ایران، به آن ها اجازه ورود به کشور را نمی دهد.

هم چنین در صورتی که این کودکان شناسنامه دار شوند حتی اگر در ایران متولد شده باشند تابعیت افغانی دارند مگر این که تا سن ۱۸ سالگی در ایران زندگی کنند و رسماً تابعیت افغانی خود را رد کنند.

بر اساس آخرین آمار، حدود یک میلیون و پانصد هزار افغان در ایران حضور دارند که تعداد کمی از آن ها مدرک قانونی اقامت و ویزای کار دارند.

بنا به گزارش خبرنگار مهر، روز پنج شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۰، در نخستین جلسه آمادگی کمیته های فنی مشترک میان دولت های ایران، افغانستان، پاکستان و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، سیدمحمد تهوری مشاور وزیر و مدیرکل اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور با بیان این که این جلسه نخستین جلسه مشترک چهار جانبه در ۳۰ سال گذشته بوده است، گفت: «هدف از برگزاری این جلسه ایجاد مقدمات لازم برای برگزاری کنفرانس بین المللی حمایت از بازگشت داوطلبانه پناهندگان افغان از ایران و

او، افزود: در این اجلاس ۴ جانبه که در کشور ژاپن برگزار می شود به نوعی کشورهای جهان را برای حمایت از این اقدام تشویق کرده و از جامعه بین المللی درخواست راه حل های راهبردی برای پناهندگان افغان را داریم. این کنفرانس در اواخر سال ۲۰۱۱ یا اوایل سال ۲۰۱۲ برگزار می شود که فصلنامه های مشترکی توسط کشورهای عضو در حال تدوین بوده که تا دو هفته آینده تجمیع فصلنامه ها تحویل کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل می شود. براساس تفاهم نامه میان دولت های ایران، پاکستان، افغانستان و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل کشورها متعهد شدند در طی دو برنامه ۳ ساله نسبت به خروج پناهندگان اقدام کنند که در حاشیه آینده اجلاس ژنو هم به ای موضع پرداخته می شود.

بدین ترتیب، حکومت اسلامی ایران، تصمیم گرفته است صدها هزار افغانی را از ایران اخراج و به جهنم جنگ و ترور و گرسنگی افغانستان برگرداند. بی شک، دفاع از حقوق انسانی، سیاسی و اجتماعی این شهروندان، وظیفه همه انسان های آزاده و نهادها و سازمان ها و احزاب اپوزیسیون حکومت اسلامی است. جنبش های اجتماعی ایران چون جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانش جویی و هم چنین روشنفکران و هنرمندان، نباید در مقابل این تعرض فاشیستی حکومت اسلامی به شهروندان افغانی در ایران، سکوت کنند و اجازه بدهند این حکومت جانی، آن ها را قربانی رقابت ها و سیاست های فاشیستی خود بکند.

کارگران، زنان، دانش آموزان، دانش جویان و کودکان افغانی در ایران، با کارگران، زنان، دانش آموزان، دانش جویان و کودکان افغانی درد مشترکی دارند و باید هم فریاد مشترکی علیه جنایات حکومت اسلامی بزنند. هم اکنون با بازگشایی مدارس ایران، صدها هزار کودک تنها به «جرم» این که والدین آن ها فقیر و یا افغانی هستند از تحصیل محروم مانده اند. حتی حکومت اسلامی، به کودکانی که مادرشان ایرانی و پدرشان افغانی هستند شناسنامه صادر نمی کند و آن ها از حق شهروندی و تحصیل محروم کرده است. این سیاست ها غیرانسانی و وحشیانه و رسماً فاشیستی است. فعالین عرصه کودکان و نهادهای کودکان در این مورد باید صدای خود را رساتر کنند و مرعوب فضای رعب و وحشت و سرکوب حکومت اسلامی نشوند.

خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که رسماً ارگان پلیسی حکومت در

درون طبقه کارگر ایران هستند بی‌شرمانه و وقیحانه کارگران و مهاجران افغانی در ایران را عامل بی‌کاری معرفی می‌کنند. موضعی که همه نژادپرستان و فاشیست‌های جهان از مساله بی‌کاری، در راستای سیاست‌های خارجی ستیزی‌شان استفاده می‌کنند. برخی رسانه‌های حکومتی، بی‌شرمانه می‌نویسند افغانی‌ها کارفرما و ایرانی‌ها کارگر شده‌اند و... همه این تبلیغات نادرست و فاشیستی به این دلیل صورت می‌گیرد که اخراج صدها هزار شهروند افغانی از ایران را در افکار عمومی توجیه پذیر سازند. طبیعی است که افکار عمومی انسان دوست، آزادی‌خواه، برابری‌طلب و عدالت‌جو، باید علیه چنین تبلیغات و سیاست‌های فاشیستی و خارجی ستیزی و افغانی ستیزی حکومت اسلامی شورش کند.

چند دهه است که مردم افغانستان، همواره قربانی رقابت‌های دوران سرد و پس از آن تا به امروز، جنگ داخلی، اشغال نظامی، تروریسم اسلامی و غیراسلامی و تخریب و ویران‌گری و آوارگی هستند. دست کم در چهار دهه اخیر صدها هزار تن از مردم افغانستان جان خود را در این جنگ‌ها و ترورها، از دست داده‌اند. میلیون‌ها تن دیگر، خانه و کاشانه خود را رها کرده و آواره کشورهای هم‌جوار افغانستان و کشورهای دیگر شده‌اند. در این میان، شاید وضعیت پناه‌جویان، مهاجران و کارگران افغانستانی در ایران و پاکستان فاجعه‌بارتر از کشورهای دیگر است.

دولت‌های افغانستان و منطقه و هم‌چنین دولت‌های امپریالیستی غربی، از سازمان‌ها و جوانان ناچار افغانی در جهت پیش‌برد رقابت‌ها و سیاست‌های خود، سوءاستفاده می‌کنند. برای مثال، در جنگ ایران و عراق و هنگامی که افغانستان توسط شوروی سابق اشغال شده بود حکومت اسلامی مرزهای خود را باز گذاشت و به اصطلاح به استقبال «برادران مسلمان» افغانی شتافتند؛ برخی از آن‌ها را آموزش دادند و روانه جبهه‌های جنگ ایران و عراق کردند؛ برخی را همراه مجاهدین و گروه‌های دیگر افغانی به افغانستان برگرداندند تا در آن‌جا به جنگند. اما اکنون حکومت اسلامی، دیگر نیازی به این «برادران و خواهران مسلمان» خود ندارد بنابراین، به زور از ایران اخراج می‌کند. مامورین حکومت اسلامی، آن‌ها را تعقیب و دستگیر می‌کنند و با ضرب و شتم در اردوگاه‌هایی به اسارت می‌گیرند تا در فرصت مناسب، آن‌ها را به جهنم جنگ و ترور، قحطی و گرسنگی افغانستان بازگردانند.

در حقیقت بر خلاف ادعاهای فاشیستی سران و مقامات و مسئولین حکومت

اسلامی، رسانه های وابسته به جناح های رنگارنگ حکومت، خانه کارگر و شوراهاى اسلامى کار و فرماندهان نیروى انتظامى و غيره، نه تنها شهروندان افغانى در ايران نه عامل بى کارى، قاچاق، بزهكارى و آسيب هاى اجتماعى و غيره نيستند، بلکه آن ها نيز هم چون هم طبقه اى هاى ايرانى خود تحت ستم و سرکوب و بهره کشى شديد کارفرمايان ايرانى و افغانى قرار دارند. از اين رو، خود حکومت اسلامى و ارگان ها و سران و مسئولين اش اصلى ترين عامل بدبختى و فلاکت و بى کارى و غارت اموال عمومى مردم ايران هستند. از سوى ديگر، هم اکنون بحث سه ميليارد دلار ناقابلى که عوامل حکومت اختلاس کرده اند و هم اکنون رهبر مى گويد بحث اين مساله را زودتر تمام کنيد تا سوء استفاده دشمن قرار نگیرد؛ با وجود اين رييس جمهور حکومت اسلامى، مدعى ست دولتش پاک ترين دولت جهان است، در حالى که کثيف ترين و ياغى ترين و دزدترين و فاسدترين و جاني ترين دولت جهان است. بنا به اقرار يکى از نمايندگان مجلس ارتجاع حکومت اسلامى، با اين مبلغ سه ميليارد دلار مى شد يک ميليون شغل در جامعه به وجود آورد و...، آيا نسبت دادن بى کارى در چنين کشورى به کارگران افغانى، ریاکاری و بى شرمى نيست؟

سى و سه سال است که سران و مقامات اين حکومت، ثروت هاى جامعه ايران را به غارت مى برند و اکثريت مردم اين کشور را نيز به خاک سپاه نشانده اند چه ربطى به کارگران افغانى در اين کشور دارد؟! مگر سپاه پاسداران حکومت اسلامى، حتى به اقرار خود پاسدار احمدى نژاد «برادران دزد» نيستند و فقط حدود هفتاد هشتاد اسکله غيرمجاز در اختيار دارند که از آن جا ها، کالاها و اجناس قاچاق مورد نظر خود را از کشور خارج مى کنند و يا داخل مى کنند؟ مگر فرودگاه امام خمينى در بست در اختيار سپاه نيست؟ مگر سپاه، از مجموعه اى از باندهاى تبه کار و آدم کش و دزد تشکيل نشده است؟ مگر سپاه از قاچاق اسلحه تا مواد مخدر، از شکر تا دارو، از لباس تا ابزارها و مواد لازم براى ساخت بمب هاى کشتار جمعى و شيميايى و هم چنين جوخه هاى ترور فعاليت ندارد؟ بعلاوه، مگر تمام امکانات و مرزها و صنايع مهم نيز در اختيار سپاه نيست؟ آيا رهبر و رييس جمهور، همواره به سپاه رشوه نمى دهند تا حکومت شان را با چنگ و دندان و ترور و وحشت نگاه دارند؟ آيا از رهبر حکومت اسلامى تا رييس جمهور، از رييس قوه قضائيه تا رييس مجلس، از فرماندهان سپاه تا وزارت اطلاعات، از روساى بانک ها تا شرکت و صنايع و غيره، همگى در جاىگاه و پست و مقام خود، اموال عمومى مردم را به غارت نمى برند؟ و به اين ها نيز راضى نيستند، بلکه رشوه خوارى نيز در ايران

عمومیت دارد. بنابراین، بی‌شماره است که این نوع جنایات بزرگ از قاچاق تا بی‌کاری در کشور را به کارگران و پناهجویان افغانی نسبت دهند. تازه فرض کنیم از میان حدود یک و نیم تا دو میلیون افغانی مقیم ایران، تعدادی نیز در کنار «برادران قاچاقچی» سپاه، به قاچاق و دزدی و جنایت هم دست بزنند باز هم چه ربطی به میلیون‌ها افغانی که بیش از سی سال است در ایران، با دست رنج خود و کار و کوشش‌شان زندگی شرافتمندانه‌ای کرده‌اند، دارد؟!

در چنین شرایطی، طبیعی است که کارگران و همه نیروهای آزادی‌خواه و عدالت‌جوی از حق و حقوق شهروندی و پناهندگی افغانی‌های مقیم ایران که در واقع بخشی از جامعه و طبقه کارگران ایران محسوب می‌شوند، دفاع کنند و سیاست‌های فاشیستی و غیرانسانی حکومت اسلامی را محکوم نمایند.

شهروندان افغانی در ایران، ضعیف‌ترین و سخت‌کوش‌ترین حلقه طبقه کارگر ایران هستند که با دست‌مزد های ناچیز، به کارهای سخت و خطرناک گمارده می‌شوند و بی‌رحمانه استثمار می‌گردند. از این رو، مسلم است که باید از حرمت و انسانیت و حق و حقوق پناهندگی، سیاسی و اجتماعی پناهجویان و مهاجرین و کارگران افغانی در ایران، دفاع کرد. مهم‌تر از همه، نهادها و سازمان‌های مستقل و مردمی داخل کشور و هم‌چنین نیروهای آزادی‌خواه اپوزیسیون سرنگونی‌طلب حکومت اسلامی در خارج کشور، وظیفه انسانی و سیاسی داوطلبانه و آگاهانه‌ای دارند تا از هر طریق ممکن، از حقوق آن‌ها دفاع کنند.

مسلمانان، از درد و رنج و مشقت کارگران افغانی در ایران، هر چه قدر گفته و نوشته شود باز هم آن تصویر واقعی و عمق و ابعاد ظلم و ستم و فشاری که بر آن‌ها رفته است را به دست نمی‌دهد. تحقیرها، زخم‌زبان‌ها، بی‌پناهی‌ها، فقر و گرسنگی، تعقیب پلیسی به دلیل ترس از اخراج و غیره، همه و همه گوشه‌هایی از دلهره‌های لحظه‌به‌لحظه و کابوس‌های شهروندان افغانی مقیم ایران است.

عادت همیشگی کارفرمایان، مقامات و مسئولین حکومت اسلامی، ارگان‌ها و رسانه‌های وابسته به حکومت اسلامی ایران شده است که رفتار غیرانسانی و وحشیانه و تحقیرآمیزی با افغانی‌های ساکن ایران داشته باشند. در حالی که مساله شهروندان افغانی در ایران، همانند میلیون‌ها پناهنده و مهاجر ایرانی و غیرایرانی در سراسر جهان، کاملاً حقوقی، سیاسی، اجتماعی و معطوف به رعایت کنوانسیون‌ها و قوانین جهان شمول است. اما مقامات حکومت اسلامی از یک سو، از

عباراتی چون «رافت و عطوفت و اخلاقی اسلامی» در رابطه با افغانی‌ها استفاده می‌کنند و از سوی دیگر، رفتارهای بسیار غیرانسانی و غیرقابل تحملی با آن‌ها دارند. در این میان، کم‌ترین اهمیتی به قوانین پناهندگی و حقوق انسانی نمی‌دهند. در حالی که پناهندگان و مهاجرین و کارگران افغانی در ایران، خواهان رعایت حقوق کار و زیست و زندگی و حق شهروندی خود بر اساس معیارها و ارزش‌های قوانین جهان شمول پناهندگی و مهاجرت هستند. بنابراین، رافت و عطوفت و اخلاق اسلامی، ارزانی سران و مقامات حکومت اسلامی باد! حکومت اسلامی ایران، موظف است رسماً و علناً موازین بین‌المللی پناهندگان و مهاجرین، حقوق بشر، حقوق کار و حقوق شهروندی را به ویژه در رابطه با افغانی‌های مقیم ایران رعایت کند. تعهداتش در خصوص رفتار با مهاجرین افغانی در ایران و نیز کارگران را رعایت کند.

حکومت اسلامی ایران را هم باید در نزد افکار عمومی مردم ایران و جهان و هم در نزد نهادهای بین‌المللی رسوا کرد و آن‌چنان تحت فشار قرار داد تا به این روش‌های غیرانسانی خود، به ویژه علیه شهروندان افغانی در ایران پایان دهد.

حکومت اسلامی، عموماً حداقل‌هایی چون تامین اجتماعی، ساعات کار، انواع بیمه‌ها چون بیمه اجتماعی، بیمه حوادث و بی‌کاری، عدم تبعیض در استخدام و اشتغال، منع کار اجباری، کار کودکان، حقوق کودکان، حقوق زنان و غیره رعایت نمی‌کند. اما همه این موارد در مورد شهروندان افغانی بسیار وحشیانه، غیرانسانی و غیرقابل تحمل است.

بر این اساس، حکومت اسلامی با میلیون‌ها کارگر افغانی که طی سال‌های متمادی در این ایران کار و زندگی کرده‌اند مانند بردگانی رفتار می‌کند که حتی حقوق کودکان آن‌ها را نیز به رسمیت نمی‌شناسد. نتیجه منطقی این روند بی‌حقوقی و بی‌پناهی و عدم رعایت حقوق آنان، سبب شده است نه تنها کارگران افغانی، بلکه کودکان آن‌ها نیز به معنای واقعی نیروی کار ارزان و خاموش کارفرمایان و سرمایه‌داران ایرانی و مورد سوء استفاده‌های مختلف آن‌ها قرار گیرند.

در سال‌های آغازین انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، سرآغاز جنگ‌های بزرگ و خونین در افغانستان بود که میلیون‌ها افغانی اجباراً از کشورشان به کشورهای دیگر، از جمله ایران گریختند. سپس جنگ هشت‌ساله ایران و

عراق آغاز شد. پس از پایان جنگ، به اصطلاح دوران بازسازی این کشور در دهه دوم انقلاب آغاز شد. در تمام این دوره های سخت و ناامن بیش از سه دهه، کارگران افغانی دوش به دوش کارگران ایرانی کار و کوشش کردند و قربانیان زیادی نیز چه در جبهه های جنگ و چه در بمباران ها دادند. بخش اعظم آن، سنگ ها و آجرهایی که برای بازسازی ویرانه های جنگ و یا برای ساختمان ها و آپارتمان سازی های مدرن و لوکس پولداران، از دوره بازسازی پس از جنگ تاکنون به کار رفته اند، زنان و کودکان و مردان کارگر افغانی تولید کرده اند. کارگران افغانی، در زمین های کشاورزی، گاوداری ها، مرغ داری ها و غیره بخش اعظم سبزیجات، حبوبات، لبنیات، گوشت و... مردم ایران را تولید کرده اند. کودکان، زنان و دختران کارگر افغانی، فرش ها و قالی های ایران را با دستان ظریف و پینه بسته، با چهره های تکیده و رنجور خود بافته و توسط سرمایه داران در بازارهای داخلی و خارجی توزیع شده اند.

اما سهم این شهروندان دل سوز و پرکار و کم ادعا، در ایران چیست؟ جز تحقیر و توهین، ضرب و شتم، زندان و اخراج به جهم افغانستان!

مساله اساسی آن است که حکومت اسلامی ایران، تنها و تنها به ثروت و قدرت می اندیشد و در این راه تاکنون میلیون ها انسان، چه ایرانی و چه افغانی و غیره را نابود کرده است. بی شک، پس از این و تا روزی که در قدرت است به همه این جنایات خود ادامه خواهد داد. بنابراین، در چنین وضعیتی راه چاره در این است که کارگران افغانی و ایرانی، با اتحاد و همبستگی و پیوندهای طبقاتی خود، علیه دشمن طبقاتی شان در ایران، یعنی سرمایه داران و دولت آن به مبارزه پیگیر برخیزند و در اتحاد با جنبش های اجتماعی دیگر، حکومت جهل و جنایت و فاشیست اسلامی را با قدرت و مبارزه طبقاتی متحد و متشکل و آگاهانه خود، به گورستان تاریخ بفرستند و جهان نوینی را با معیارها و ارزش های انسانی، آزاد، برابر، عادلانه و مرفه بسازند.

bahram.rehmani@gmail.com

سه شنبه دوازدهم مهر ۱۳۹۰ - چهارم اکتبر ۲۰۱۱